

بررسی فقهی فیلم‌سازی و بازیگری (کتاب)

نویسنده خلاصه: مرتضی کریمزاده
نویسنده کتاب: مصطفی محمدی

چکیده

بررسی فقهی فیلم‌سازی و بازیگری، کتاب مصطفی محمدی، اثری در فقه هنر است. محمدی نگاه مستقیم و غیرمستقیم به نامحرم را در مناسبات حکم یکسان دانسته، حرمت نگاه با ریه و قصد لذت را در نگاه به عکس و فیلم جاری می‌داند. او تشبیه به جنس مخالف را حرام نمی‌داند، و تشبیه به معصومان را تنها در صورت قصد توهین ممنوع می‌شمارد. همچنین او تشبیه به کفار را در کارهای اختصاصی به آنها حرام می‌داند.

در حوزه روابط بازیگران، محمدی روایات مربوط به گفت‌وگوی عادی زنان و مردان را مربوط به حوزه اخلاق می‌داند، او حرمت تماس بدنی زنان و مردان را حرمت قطعی برشمرده است. وی در پایان طنز و شادی را ضمن عناصر هنر (سوژه، محتوا، قالب و هنرمند) بررسی می‌کند و به این مناسبت توضیحاتی درباره مسئله موسیقی، غنا و رقص ارائه می‌دهد.

معرفی اجمالی و انتقادی

بررسی فقهی فیلم‌سازی و بازیگری، کتابی در حوزه فقه هنر، تألیف مصطفی محمدی است. انتشارات حوزه علمیه خراسان این اثر را در سال ۱۳۹۹ ش در ۲۳۲ صفحه منتشر کرده است.

ساختار کتاب

کتاب با فهرست مطالب و مقدمه‌ای از ناشر و نویسنده آغاز و با پیشنهادها و فهرست منابع پایان می‌یابد. مباحث اصلی کتاب در دو بخش سامان یافته است. نویسنده در بخش نخست، پس از بیان کلیات مسئله (ص ۲۳-۲۶)، سه حکم مربوط به فیلم‌سازان و عوامل تولید فیلم (نگاه به نامحرم، گریم و ساخت فیلم خلاف شرع) را در سه فصل بررسی می‌کند. در بخش دوم نیز چهار حکم اختصاصی بازیگران (تشبیه به ائمه یا جنس مخالف یا کفار، بازی در کارکترهای طنز، روابط بازیگران زن و مرد، و مسئله تماس بدنی) در چهار فصل بررسی شده است. نویسنده در پایان هر بحث، فتوای فقیهان را در همان مسئله ذکر می‌کند.

ساختار نامنسجم

کتاب ویراستاری ادبی نشده است؛ رعایت نشدن دستور زبان فارسی معیار، خوانش جملات و در مواردی فهم برخی عبارات را دشوار کرده است. نویسنده در بررسی احکام و بیان ادله و بررسی آنها، در بیشتر موارد رویکرد فقه معاصر ندارد و به مباحث ذکر شده در فقه قدیم بسنده کرده است. کتاب فاقد ساختار مناسب و منسجم است؛ مثلاً مسائل مربوط به موسیقی و غنا ذیل احکام طنز بررسی شده است.

جریان احکام نگاه غیرمستقیم در فیلم

مصطفی محمدی احکام نگاه را در دو صورت نگاه مستقیم و غیرمستقیم بررسی کرده است. او در بررسی حکم نگاه مستقیم به آیه ۳۱ سوره نور استدلال کرده، روایات مرتبط با آن را بیان می‌کند و نتیجه می‌گیرد که نگاه مستقیم و بدون ریه به تمام بدن زن به غیر از وجه و کفین، و نیز نگاه مستقیم و با ریه به وجه و کفین حرام است (ص ۲۸-۴۳).

نویسنده نگاه به فیلم و عکس را از مصادیق نگاه غیرمستقیم برشمرده، احکام آن را ذیل احکام نگاه غیرمستقیم بررسی کرده است. به باور او، اطلاق ادله حرمت نگاه به قصد ریه، شامل نگاه غیرمستقیم نیز می‌شود (ص ۵۵). همچنین او فیلم را نوعی توصیف‌گری زنان برشمرده و با استناد به روایت جابر جعفی، هرگونه توصیف‌گری زنان را حرام تلقی کرده است (ص ۵۷). وی در ادامه با اشاره به روایات حرمت نگاه به زنان، حکمت آن را جلوگیری از تهییج شهوت و ممانعت از ارضای نامشروع جنسی می‌داند و ادعا می‌کند که نگاه کردن به تصویر زن با نگاه به خود او، در این حکمت هیچ فرقی ندارند (ص ۵۹). در پایان مباحث مربوط به احکام نگاه، واژگان تلذذ، ریه و خوف با استناد به روایات و عبارت فقیهان توضیح داده شده است (ص ۶۴-۷۱).

نگارنده در فصل دوم از بخش نخست، حکم شرعی گریم را توضیح داده است. او برای این منظور، حکم وصل کردن موی انسان یا غیرانسان به موی زنان را بررسی می‌کند. محمدی با بررسی روایات مختلف در این باره نتیجه می‌گیرد که اگر موی وصل شده جزئی از موی زنان شده باشد، حکم موی آن زن را دارد و در غیر این صورت اشکالی متوجه آن نیست. او آرایش کردن صورت زنان را نیز حرام می‌داند، اما معتقد است، استفاده از ماسک و کلاه‌گیس که در آیات و روایات حکم آن بیان نشده، اشکالی ندارد (ص ۷۳-۹۴).

برداشته نشدن حکم حرمت به ظن ضرورت داشتن فیلم‌سازی مؤلف در فصل سوم، احتمال برداشته شدن حرمت را در برخی فرض‌های فیلم‌سازی مطرح کرده است. او درباره فیلم‌سازی در موضوع زنان بدکاره، با مطرح کردن این احتمال که نشان دادن حالت واقعی آنها (مانند پوشش غیرشرعی آنان) ممکن است ضرورت داشته باشد، ادله مربوط به ضرورت و اضطرار را بررسی می‌کند. وی نتیجه گرفته که جریان اضطرار در چنین موردی صحیح نیست (ص ۹۶-۱۰۵).

تشبه به جنس مخالف، معصومان و کفار در فصل اول از بخش دوم، مؤلف سه مسئله، تشبه به جنس مخالف، تشبه به معصومان و تشبه به کفار را بررسی کرده است.

عدم حرمت تشبه به جنس مخالف نویسنده پس از بررسی روایات مربوط به تشبه به جنس مخالف (ص ۱۱۲-۱۱۸) و ادله حرمت لباس شهرت (مانند روایات و حرمت رفتار خلاف شأن) (ص ۱۱۹-۱۲۴) چنین نتیجه می‌گیرد که تشبه به جنس مخالف به خودی خود اشکال ندارد و نهایت حکمی که می‌توان از ادله استفاده کرد، کراهت است (ص ۱۲۶).

جواز تشبه به معصومان

او برای تبیین حکم تشبه به معصومان، دلیل جواز آن، یعنی برائت، و دلیل حرمت آن، یعنی هتک حرمت و دروغ‌نگاری را بررسی کرده است (ص ۱۲۷-۱۳۱). او به این نتیجه می‌رسد که تشبه به معصومان تنها در فرض قصد توهین، حرمت دارد، هرچند برای حفظ قداست آنان بهتر است چهره نمایش داده نشود (ص ۱۳۲).

حرمت تشبه به کفار در ویژگی‌های اختصاصی آنان محمدی مسئله تشبه به کفار را تنها در امور غیرعبادی توضیح داده است. او با بررسی آیه ۱۴۹ سوره آل‌عمران و برخی روایات مسئله، تشبه به کفار را در پوشش، آرایش و آداب آنان که از ویژگی‌ها و مظاهر آنان به‌شمار آید، حرام می‌داند، و در غیر این صورت آن را مکروه می‌شمارد. او تذکر می‌دهد که بازی در نقش دشمنان اهل‌بیت (ع)، برای نشان‌دادن ظلمی که بر ایشان انجام گرفته، اجر و ثواب دارد (ص ۱۳۷-۱۳۹).

مطلوب بودن طنز محمدی در بررسی مسائل مربوط به طنز، مسئله شادی را ذیل واژه‌های قرآنی استهزاء و تَنَابُز (ص ۱۴۶-۱۵۲) و روایات (ص ۱۵۳-۱۵۴) بررسی کرده است. او با کلی‌گویی در مقام نتیجه، اصل خنده را مطلوب و خنده همراه با گناه را حرام می‌داند (ص ۱۵۴). وی در ادامه عناصری را که ممکن است در حکم طنز دخالت داشته باشد (سوژه، محتوا، قالب و هنرمند) بررسی می‌کند، به همین مناسبت وی مسئله موسیقی، غنا و رقص را نیز به صورت مختصر توضیح داده است (ص ۱۶۲-۱۸۲).

عدم حرمت گفت‌وگوی عادی زنان و مردان نگارنده در فصل‌های پایانی بخش دوم، مسئله ارتباط زنان و مردان در بازیگری را ذیل سه عنوان مطرح کرده است: گفت‌وگوی زنان و مردان، ابراز احساسات آنان، و تماس بدنی ایشان؛ عنوان اول و دوم در یک فصل و عنوان سوم در فصلی مستقل بررسی می‌شود.

محمدی برای تبیین حکم گفت‌وگوی زنان، به خطبه حضرت زینب (س) و گفتگوی حضرت زهرا (س) با سلمان فارسی (ادله جواز) و نیز روایات منع از سخن‌گفتن با زنان و عورت‌بودن صدای آنان (ادله حرمت) می‌پردازد (ص ۱۸۴-۱۹۳). او با استناد به عدم فتوای فقها بر حرمت گفت‌وگوی مردان با زنان، روایات مسئله را بر توصیه اخلاقی حمل می‌کند (ص ۱۹۵). با این حال، وی با استناد به آیه ۳۲ سوره احزاب و برخی روایات معتقد است، این گفت‌وگو نباید به شوخی‌کردن‌ها و مطالب ناپسند بیانجامد (ص ۲۰۰).

نویسنده در ادامه با استناد به روایات متعددی که بر حرمت تماس بدنی زنان و مردان دلالت دارند، و نیز با استناد به اجماع و اولویت حرمت تماس بدنی نسبت به حرمت نظر، حرام‌بودن تماس بدنی زنان و مردان نامحرم را نتیجه گرفته، آن را حکمی قطعی برمی‌شمارد. به گفته او این حرمت اطلاق دارد و شامل تماس با غیرمسلمان و تماس بدون قصد ریه می‌شود (ص ۲۰۳-۲۱۱).